

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

وهن مجلس

مناظره امیرحسین ثابتي و محمدمهدي شهرياري در ۷۲ ساعت گذشته به يکي از مهم‌ترين حواشي سياسي کشور تبديل شده است؛ مناظره‌اي که در آن نماينده بجنورد با ادبياتي عجيب و رفتاري خارج از شأن يک نماينده مجلس، نه تنها به رقيب سياسي خود، بلکه به جايشگاه مجلس و مردمی که نمايندگی آنان را برعهده دارد، توهين کرد. شهرياري در اين مناظره چنان از مرزهاي اخلاق و ادب سياسي عبور کرد که ادبيات او بيش از آنکه به يک نماينده مجلس شباهت داشته باشد، يادآور ادبيات هتاکانه هواداران افراطي سلطنت طلب بود. با اين حال، مسئله تنها به هتاکي‌هاي او محدود نماند و مواضعش درباره توان دفاعي کشور، مذاکره، تنگه هرمز و جايشگاه رهبري نيز با واکنش‌هاي گسترده‌اي مواجه شد.



۸

همزمان با فروپاشي تفاهم نامه رئيسان جمهور ايران و آمريکا
نوبنياد نتايج امضاي اين تفاهم ۲۵ روزه را بررسي مي کند

خسارت بارتر از برجام

۷



بنزين گران مي شود؛
کالا برگ در صف انتظار

۴

حفره امنيتي
همين جاست

۳



فرق است که نادر بر کشور
حاکم باشد يا فتحعلي شاه!

سيد اميرحسين قاضي زاده هاشمي
معاون شهيد رئيسي در دولت سيزدهم

در شوراي دربار، وقتي بحث جنگ با روسيه پيش آمد، فتحعلي شاه از قائم مقام نظر خواست. قائم مقام ابتدا سکوت کرد، اما با اصرار شاه، پرسيد: «عايدی و ماليات دولت ايران چقدر است؟» شاه پاسخ داد: «حدود شش کروير.» سپس پرسيد: «عايدی دولت روسيه چقدر است؟» شاه گفت: «شنیده‌ام حدود ششصد کروير.» قائم مقام در پاسخ گفت: «عقل حکم می کند کسی که شش کروير عايدی دارد، با کسی که ششصد کروير عايدی دارد، به جنگ برنخيزد.»

متن کامل در صفحه ۳

صفحه ۴

بين الملل

صورتحساب جنگ برای رياض

حملات گسترده موشکی و پهپادی نيروهاي مسلح يمن به تأسيسات راهبردی آرامکو در جيزان و ينبع، همزمان با اعلام محاصره دريابی عربستان در باب المندب، معادلات امنيت انرژي در منطقه را وارد مرحله‌اي تازه کرده است.

صفحه ۵

اقتصادی

اعلان قرمز برای تراستي‌ها

تشكيل پرونده قضايی برای ۵۹ مدير شرکت‌هاي تراستي، بار ديگريکی از مبهم‌ترين حلقه‌هاي اقتصاد تحريمی ايران را به صدر اخبار بازگرداند؛ شبکه‌اي که اکنون بخشي از آن به اتهام بازنگرداندن ميلياردها دلار درآمد نفتی، تحت تعقيب قضايی قرار گرفته است.

ادبیات گستاخانه و بی‌ادبانه شهریاری نماینده اصلاح‌طلب مجلس در مناظره با ثابتی انتقادبرانگیز شد

وهن مجلس

از مرزهای اخلاق و ادب سیاسی عبور کرد که ادبیات او بیش از آنکه به یک نماینده مجلس شباهت داشته باشد، یادآور ادبیات هتاکنه هواداران افراطی سلطنت‌طلب بود. با این حال، مسئله تنها به هتاکی‌های او محدود نماند و مواضعش درباره توان دفاعی کشور، مذاکره، تنگه هرمز و جایگاه رهبری نیز با واکنش‌های گسترده‌ای مواجه شد.

مناظره امیرحسین ثابتی و محمد مهدی شهریاری در ۷۲ ساعت گذشته به یکی از مهم‌ترین حواشی سیاسی کشور تبدیل شده است؛ مناظره‌ای که در آن نماینده بجنورد با ادبیاتی عجیب و رفتاری خارج از شأن یک نماینده مجلس، نه تنها به رقیب سیاسی خود، بلکه به جایگاه مجلس و مردمی که نمایندگی آنان را برعهده دارد، توهین کرد. شهریاری در این مناظره چنان



سعید قاسمی

روزنامه‌نگار

سال‌ها در بخش‌هایی از مدیریت اجرایی و سیاست خارجی کشور حضور داشته، همچنان با وجود تجربه‌های متعدد، توان داخلی کشور را دست‌کم می‌گیرد و راه حل مشکلات ایران را در مذاکره با طرفی می‌بیند که بارها از توافقات خود خارج شده است.

اما اظهارات شهریاری به اینجا ختم نشد. او در بخشی از این گفت‌وگو نسبتی دروغ به رهبر شهید انقلاب داد و گفت: «رهبری صدها جا گفته بود من حرف خودم را می‌زنم، شما بروید کار خودتان را بکنید. ایشان فقط رهبر شیعیان دنیا بود، نه مسلمانان دنیا.» این موضوع وقتی حساسیت برانگیزتر می‌شود که این سخنان شنونده را به یاد اظهارات اخیر پزشک‌های در نسبت با رهبر شهید می‌اندازد. رئیس‌جمهور نیز اخیراً با زبان دیگری به همین شکل سعی در تحریف رهبر شهید داشت و گفت: «اگر چه صدا و سیما تنها بخشی از سخنان رهبر شهید درباره عدم مذاکره را پخش می‌کنند، اما در جلسات خصوصی با معظله، ایشان بر ضرورت خاتمه دادن به این وضعیت تأکید داشتند.» با این حساب مشخص می‌شود که چه کسانی در خطای محاسباتی و تصمیمات پزشک‌های تأثیرگذاری می‌کنند. توهین‌های شهریاری در همین نقطه محدود نشد و او حتی با لحنی تمسخرآمیز در مورد ظهور حضرت ولی عصر عجل سخن گفت.

این اظهارات، در کنار ادبیات توهین‌آمیز و مواضع مطرح‌شده درباره مسائل دفاعی و سیاست خارجی، بار دیگر نشان داد که مسئله فقط یک مناظره و یک مشاجره سیاسی نیست. ماجرا به تقابل دو نگاه درباره ایران بازمی‌گردد؛ یک نگاه که به مردم، توان داخلی و ظرفیت‌های کشور اعتماد دارد و نگاه دیگری که در بزنگاه‌های حساس، پیش از آنکه به توان ملت خود تکیه کند، چشم به بیرون دوخته است. محمد مهدی شهریاری در این مناظره، تصویری روشن از جریان فکری اصلاح‌طلب و غرب‌گرا ارائه کرد؛ جریانی که در آن خودتحمیلی در برابر بیگانگان، تحقیر مردم، بی‌اعتمادی به توان داخلی و ادبیات تند نسبت به منتقدان، همزمان در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند.

انقلابی همین مرزبندی دقیق با نگاه‌های اشرافی و تحقیرآمیز به مردم است. «نماینده ولی فقیه در استان خراسان شمالی، حجت‌الاسلام والمسلمین رضا نوری نیز در خطبه‌های نماز جمعه درباره اظهارات شهریاری گفت: «این حرف‌ها، حرف یک نفر آدم انقلابی و حتی معتقد به آیات الهی نیست.» مهدی کوچک‌زاده، نماینده مردم تهران نیز با انتقاد از رفتار شهریاری اعلام کرد که چنین رفتارهایی از سوی او مسبوق به سابقه است و پیش‌تر نیز نسبت به رفتار او اعتراض کرده، اما اقدام مؤثری در این زمینه صورت نگرفته است.

واکنش‌ها به شهریاری حتی در شهر خود او نیز ادامه پیدا کرد. گروهی از مردم بجنورد با برگزاری تجمع‌های شبانه، ضمن انتقاد از رفتار نماینده خود، از مردم ایران عذرخواهی کردند. پلاکاردهای اعتراضی علیه شهریاری در برخی میادین شهر به نمایش درآمد و شماری از شهروندان نیز با امضای طوماری خطاب به دادستان، خواستار برخورد با او شدند.

اظهارات خلاف امنیت ملی

اما مسئله شهریاری تنها هتاکی و ادبیات چاله‌میدانی او نیست. بخش مهم‌تر ماجرا، مواضعی است که نماینده بجنورد در این مناظره درباره مسائل اساسی کشور مطرح کرد.

شهریاری در این مناظره به گونه‌ای سخن گفت که گویی نماینده ایالات متحده آمریکا در حال دفاع از منافع آن است. او با لحنی تحقیرآمیز درباره بودجه نظامی کشور سخن گفت و توان ایران برای ایستادگی در برابر آمریکا را زیر سؤال برد. او به دلیل نزدیکی‌اش با رئیس‌مجلس و تیم مذاکره‌کننده از توافقی دفاع کرد که شکست و هزینه سنگین آن بر کشور برهمگان عیان شده است و در ادامه در موضعی عجیب، خواستار بازگشایی تنگه هرمز شد؛ موضعی که با منافع ملی ایران در تعارض کامل قرار دارد و تأمین‌کننده منافع متجاوزان به ایران است. شهریاری سال‌ها در حوزه دیپلماسی و مدیریت اجرایی فعالیت داشته و همین مسئله، اهمیت مواضع او را بیشتر می‌کند. پرسش اینجاست که چگونه تفکری که

روزنامه‌نگار

در ۷۲ ساعت گذشته، یک مناظره سیاسی به موضوع اول فضای سیاسی کشور تبدیل شده است؛ نه به دلیل عمق مباحث مطرح‌شده، بلکه به دلیل رفتاری که از سوی یکی از طرفین مناظره سرزود و بار دیگر این سؤال را پیش روی افکار عمومی قرار داد که برخی افراد چگونه و با چه منطقی به جایگاه نمایندگی مجلس راه پیدا می‌کنند.

مناظره امیرحسین ثابتی، نماینده تهران، و محمد مهدی شهریاری، نماینده بجنورد در مجلس شورای اسلامی، به دلیل رفتار و گفتار عجیب شهریاری به شدت حاشیه‌ساز شد. نماینده بجنورد در این مناظره چنان به خشونت کلامی و ادبیات هتاکنه و حتی ناموسی روی آورد که مرز میان یک اختلاف‌نظر سیاسی و یک دعوای خیابانی را عملاً از میان برد. ماجرا از این جهت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که این ادبیات از سوی کسی مطرح می‌شود که سال‌ها در دستگاه دیپلماسی فعالیت کرده و در دولت روحانی استاندار آذربایجان غربی بوده است. با این حال، آنچه در این مناظره دیده شد، بیش‌تر از آنکه نشانی از گفت‌وگوی سیاسی داشته باشد، تصویری از عصبانیت، هتاکی و بی‌احترامی به مردم ایران بود.

واکنش‌های گسترده به ادبیات سخیف شهریاری

محمد منان رئیسی، نماینده مردم قم، با انتقاد بخشی از اظهارات شهریاری در کانال شخصی خود نوشت:

«پیشنهاد می‌کنم مرکز پژوهش‌های مجلس، پژوهشی را با این موضوع در دستور کار قرار دهد که چرا نماینده‌ای که باید عصاره فضائل ملت باشد از مهم‌ترین ارث پدری‌اش هم محروم مانده است!» عباس بیگدلی، نماینده تاکستان، نیز با اشاره به مناظره ثابتی و شهریاری نوشت: «توهین به حضور و اراده ملت در تجمعات، توهین به ستون نظام است. جناب ثابتی با صراحت و شجاعت از حریم مردم و منطق مطالبه‌گری دفاع کرد. تراز مجلس

آیین یادبود رهبر شهید انقلاب با حضور اهالی رسانه برگزار می‌شود

آیین یادبود رهبر شهید انقلاب با حضور مدیران مسئول، خبرنگاران، عکاسان، فعالان رسانه‌ای و جمعی از اهالی مطبوعات و رسانه، روز یکشنبه ۴ مردادماه در مجتمع فرهنگی هنری سرچشمه تهران برگزار خواهد شد. این مراسم با هدف تجدید عهد مدیران، خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای با آرمان‌ها و راه پرافتخار رهبر شهید ایران، از ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۹ در مجتمع فرهنگی هنری سرچشمه، واقع در تهران، میدان بهارستان، خیابان مصطفی خمینی، کوچه صیرفی‌پور برگزار می‌شود.

رسایی: رژیم صهیونیستی به دنبال منتفی شدن انتقام است

حجت‌الاسلام حمید رسایی نماینده تهران در هیأت یازهرا (س) اظهار داشت: هرکسی که دنبال سرد کردن آتش انتقام خون رهبر شهید و فرزندان این کشور است، بدون شک عامل اسرائیل است. وی افزود: سرد کردن آتش انتقام یعنی نگه داشتن تهدید بالای سر امام جامعه، یعنی استمرار پنهان نگه داشتن رهبری، یعنی قطع ارتباط رهبری با مردم. نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: وقتی رهبری نتوانست با جامعه ارتباط بگیرد، هراتفاقی و هراتخلافی در جامعه می‌تواند محقق شود؛ برای همین اسرائیل دنبال منتفی شدن انتقام است.

حاکمیت ایران بر تنگه هرمز تثبیت شد

علی خضریان، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با حضور در جزیره قشم اظهار داشت: نیروهای مسلح ایران جهت پاسخ به دشمن متجاوز در آمادگی کامل به سر می‌برند و بیش از ۱۴۰ روز است که توانستند شناورهای جنگی دشمن را از خلیج فارس اخراج کنند. وی افزود: دشمن همه سناریوهایی که می‌توانست را در این مدت اجرا کرده تا بتواند مانع اخراجش از خلیج فارس شود. امروز با مقاومت نیروهای مسلح ما و به برکت خون شهدای جنگ تحمیلی سوم، حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز تثبیت شده است. به گفته خضریان، تنگه راهبردی هرمز نشان‌دهنده ظرفیت‌های بزرگی را برای ایران فراهم خواهد کرد و دریچه‌های جدیدی را برای تغییر معادله تحریم‌های یک‌جانبه به تحریم‌های دوجانبه باز خواهد کرد.

پروژه سرافرازسازی از جبلی به نتیجه نرسید

میثم ظهوریان نماینده مجلس شورای اسلامی با توجه به حمله‌های اخیر علیه صداسیما نوشت: پروژه سرافرازسازی از جبلی که در ۵ سال اخیر با فشار زیاد توسط دو جریان سیاسی پیگیری شد، به یک دلیل مشخص (صبور و معقول بودن سوژه پروژه) به نتیجه‌ای نرسید. به گفته ظهوریان، آخرین مصداق آن پاسخ محکم و در عین حال معقول وی در جلسه اخیر هیأت دولت به تهدید رئیس‌جمهور برای قطع بودجه صدا و سیما است.

ذوالقدر: شلیک‌های مداوم تا تسلیم کامل دشمن ادامه دارد

دبیر شورای عالی امنیت ملی در پیامی نوشت: شلیک‌های مداوم و هدفمند رزمندگان ما، تا تسلیم کامل دشمن و گرفتن انتقام خون کودکان مظلوم میناب و لامرد و... ادامه خواهد داشت. در پیام محمد باقر ذوالقدر دبیر شورای عالی امنیت ملی آمده است: هرستون دود در منطقه، یعنی هدف قرار گرفتن یک مرکز نظامی یا امنیتی و یا مالی آمریکا است. وی در پایان این پیام آورده است: شلیک‌های مداوم و هدفمند رزمندگان ما، تازپانه‌های خشم ملت به پا خاسته ایران است که بر گرده نظام سلطه فرو می‌آید و تا تسلیم کامل دشمن و گرفتن انتقام خون کودکان مظلوم میناب و لامرد و... ادامه خواهد داشت، به فضل الهی.

یادداشت

فرق است که نادر بر کشور حاکم باشد یا فتحعلی شاه!

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی
معاون شهید رئیسی در دولت سیزدهم

در شورای دربار، وقتی بحث جنگ با روسیه پیش آمد، فتحعلی شاه از قائم مقام نظر خواست. قائم مقام ابتدا سکوت کرد، اما با اصرار شاه، پرسید:

«عایدی و مالیات دولت ایران چقدر است؟»

شاه پاسخ داد: «حدود شش کرویر».

سپس پرسید: «عایدی دولت روسیه چقدر است؟»

شاه گفت: «شنیده‌ام حدود ششصد کرویر».

قائم مقام در پاسخ گفت: «عقل حکم می‌کند کسی که شش کرویر عایدی دارد، با کسی که ششصد کرویر عایدی دارد، به جنگ برخیزد». سخنان اخیر یکی از نمایندگان مجلس در مورد توان اقتصادی ایران در برابر آمریکا، بی‌شبهت به این گونه استدلال‌ها نیست؛ استدلال‌هایی که به جدا شدن منطقه قفقاز از ایران انجامید. چقدر باید هزینه حاکمیت تفکر قاجاری را بدهیم؟ مولفه اصلی این تفکر، فقدان ایمان و غیرت است. و چقدر خوب است که این حضرات اصول دین خود را علنی می‌کنند؛ شامل بی‌معنی بودن استقلال، عدم تبعیت از منویات رهبری، ترس و مرعوب بودن از غرب و... از معجزات امامین انقلاب این بوده است که با وجود تسلط این حضرات بر امور کشور، شهدا این سرزمین را به قدرت جهانی تبدیل کردند و اسلام و مکتب اهل بیت بر صدر جهان ایستاد. پس از آنکه نادرشاه بخش بزرگی از ایران را از اشغال عثمانیان آزاد کرد و روس‌ها هنوز بخش‌هایی از سواحل خزر را در اختیار داشتند، سفیر روسیه مدتی در اردوی نادر منتظر دیدار بود. نادر عمدتاً او را معطل کرد تا عظمت قدرت نظامی خود را به او نشان دهد. سرانجام سفیر را به حضور پذیرفت. نادرشاه روی زمین نشسته بود، لباسش از آثار نبرد خون‌آلود بود و با همان دست‌های آلوده به خون، نان و پیاز می‌خورد.

سپس رو به سفیر کرد و گفت:

«خواستم ببینی مردی که با دست‌های خون‌آلود چنین غذا می‌خورد، از جنگ و خونریزی هراسی ندارد. به امپراتور خود بگو اگر روس‌ها سرزمین‌های ایران، به ویژه گیلان و دیگر نواحی اشغالی را تخلیه نکنند، خودم آنان را بیرون خواهم کرد».

در روایت دیگری نیز آمده است که نادر خطاب به نماینده روس گفت:

«به دولت خود اطلاع دهید که شهرهای دربند، باکو، شروان، گیلان و دیگر سرزمین‌های ایران را بازگرداند؛ وگرنه با جارویی، همه روس‌ها را از این سرزمین‌ها بیرون خواهم ریخت».

این تهدید صرفاً لفظی نبود. نادرشاه با پیروزی‌های نظامی خود و فشار دیپلماتیک، روسیه را وادار کرد طبق پیمان‌های رشت (۱۷۳۲) و گنجه (۱۷۳۵) بیشتر سرزمین‌های اشغال شده ایران در سواحل دریای خزر را تخلیه کند. این یکی از موفق‌ترین دستاوردهای سیاست خارجی ایران در سده هجدهم به شمار می‌رود.

در توسعه طلبی روسیه در این سال‌ها تفاوتی نبوده؛ اوضاع داخلی کشور هم که نادر ظهور کرد، بسیار نابسامان بود. فرق در حاکمان شجاع و ملی است. فرق است که نادر بر کشور حاکم باشد یا فتحعلی!

حفره‌های امنیتی همینجا است!



سپهر خلجی
رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت سیزدهم

از جنگ ۱۲ روزه تا الان بدون استثنا هر مقطعی که با ایستادگی مردم و میدان، قیمت نفت افزایش یافت و ترامپ جنایتکار در دنیا و داخل آمریکا زیر ضرب و فشار رفت، در داخل ایران جریانی با بالا آوردن بحث مذاکره راه تنفس برای آمریکا باز کرد. از فعالان شدن رسانه‌های وابسته در برجسته کردن مذاکره، تا طومارنویسان حرفه‌ای شیفت

پارا دایمی تا یادداشت نویسی در مجلات آمریکایی تا حمله هماهنگ به جریان انقلابی که پای مقاومت ملی ایستاده‌اند.

در این دو هفته که پایگاه‌های آمریکا در حال شخم زدن بود و قیمت نفت روند صعودی داشت خبر شروع مذاکرات پشت پرده از سوی یک خبرنگار وابسته بلافاصله باعث توقف رشد قیمت نفت و کاهش ۴ دلاری قیمت‌ها شد!

حفره‌های امنیتی را همینجا پیدا کنید، دنبال آدرس غلط نگردید.

تاملی دوباره درباره دو محور کانونی پیام اخیر رهبر انقلاب؛
بی‌اعتمادی به آمریکا و اصرار بر اتحاد مقدس

وحدت حول محور اصول

پیام ۲۶ تیرماه رهبر معظم انقلاب، از دو نکته حائز اهمیت ویژه بود. پیامی که چند روز پس از پیام تشکر از حضور میلیونی امت آزاده و مسلمان در تشییع میلیونی امام شهید بود، حتما نکات خاصی نسبت به آخرین تحولات روز دارد.

محمد حسین صبور

فعال سابق دانشجویی

پشیمانی، ایستادن و «تحمیل هزینه‌های سنگین‌تر» به آن است.

رهبر انقلاب یکبار تذکر غیراصولی بودن اعتماد و اعتبار دادن به سندی که امضای آمریکایی‌ها پای آن است را داده بود؛ و این اشاره

دوم، انتظار و پیش‌بینی آینده نیست، بلکه اثبات پیش‌بینی ۲۸ خرداد (پیام معروف به علی‌الاصول) و اعلام تغییر رویکرد در سیاست خارجه است. چاره حفظ عزت و استقلال در برابر دشمن جنگ افروز، واکنشی غیرهمسطح با هدف تحمیل هزینه‌های بیشتر به اوست.

پیام اتحاد:

به گواه پیام ارزشمند ۲۶ تیر، رمز موفقیت در مقاومت فوق‌الذکر، «وحدت کلمه» در همه سطوح مردم و همه سطوح مسئولین است. به عبارتی لازم است مردم با مردم، مسئولین با یکدیگر، و مردم و مسئولین در یک جبهه‌ی مشترک، حول اصل «ایستادگی در برابر دشمن جنایتکار و حيله‌گر آمریکایی» اتحاد داشته باشند. رهبر انقلاب در این پیام پس از آنکه وحدت را اتحاد حول یک اصل مشترک تعریف می‌کنند (نه یک اجماع نظر چشم‌پسته)، حتی به لوازم این وحدت هم اشاره کرده‌اند:

برای مردم: اعتماد به مسئولین و تصمیم‌گیران، برای یک هدف مشخصی که تضمین صیانت از منافع ایران باشد خواهد بود. و با این رویکرد است که نظارت و به تبع آن نقد به فاصله‌گیری از معیار وحدت، امری مطلوب خواهد بود و برای استمرار، اثرگذاری آن، رعایت انصاف و صداقت لازم است.

رهبری همچنان استمرار تجمعات و حضور میدانی مردم را برای اعمال وظیفه‌ی نظارت و تأثیرگذاری ضروری می‌دانند. برای مسئولین: پس از پیام ۱۴ خرداد رهبر انقلاب، این تأکید دوم بر وظیفه مسئولان در حفظ شاکله وحدت است. در آن پیام هم وحدت را «برای» هم صدا نشدن با دشمن و ایستادگی در برابر آن معرفی کرده، و «نقش مسئولان» را در این امر مهم‌تر دانستند؛ همچون پیام اخیر. این مسئله شفاف‌ترین اشاره برای جلوگیری از تحریف وحدت به سکوت و انفعال و توجیه هرچه پیش‌آمد (!) است. وحدتی که ما را به پیروزی و هزیمت دشمنان می‌رساند، یکصدایی مردم و مسئولین و دلسوزان انقلاب در مبنای اصولی است که رهبر شهید و رهبر کنونی انقلاب شفاهی و کتبی گفته‌اند.

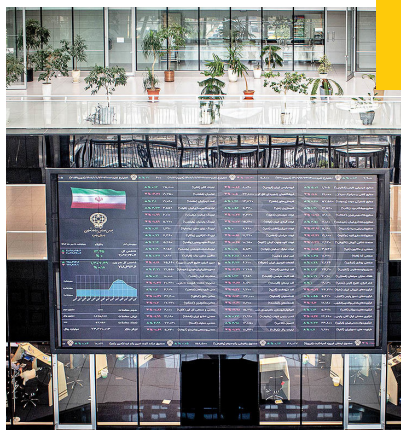
سکوت در مواجهه با پیام‌های رهبر انقلاب (مانند آنچه درباره پیام ۱۸ تیر رخ داد) و یا بی‌اعتنایی به تدابیر رهبر انقلاب و تأکید بر طی کردن مسیر خلاف نظام‌ام و امت، «وحدت حول کلمه» نیست. حتی اگر اجماع حداکثری تعدادی از مسئولان بر یک رأی یا اتخاذ تصمیم تعطیلی ارگان‌های مرتبط باشد!

مسئولین دومین تأکید صریح و شفاف بر نقش کلیدی‌شان در وحدت را باید اتمام حجتی بر این بدانند که لازم است قدم به قدم اقدامات خود را در وحدت با مردم و امام (ما) تنظیم کنند.



رشد کم‌رmq بورس در آغاز هفته

بازار سهام دیروز (شنبه، ۳ مرداد ۱۴۰۵) بارشده تقاضا، سبزیپوش آغاز شد. هرچند در مقطعی از بازار حجم فروش‌ها افزایش یافت، اما روند صعودی کم‌رmq تا پایان معاملات حفظ شد؛ با این حال، شاخص کل بورس با ۰.۲۱ درصد رشد به کار خود پایان داد و یک‌سوم از نمادها در نهایت سرخ‌پوش شدند. ارزش معاملات خرد روز گذشته بیش از ۲۳ هزار و ۷۱۴ میلیارد تومان ثبت شد. با وجود افت نسبی شاخص در ساعات ابتدایی، نماگر بازار پس از نیمه نخست معاملات، گام کوچکی در مسیر بازگشت به روند صعودی برداشت. همچنین ورود پول حقیقی به ۲۸۷ میلیارد تومان رسید، در حالی که متوسط روزانه ورود پول در سه ماه گذشته ۸۷۵



در بالاترین سطح تاریخی خود، رکورد جدیدی به ثبت رساندند. شاخص کل بورس تهران بارشده ۱۰ هزار و ۴۴۳ واحدی (۰.۲۱ درصد) به ۴ میلیون و ۸۹۴ هزار و ۴۳۴ واحد رسید. شاخص هم‌وزن نیز با افزایش ۷ هزار و ۸۵۴ واحدی (۰.۵۸ درصد) در ارتفاع یک میلیون و ۱۶۳ هزار و ۹۱۹ واحد قرار گرفت و عملکرد بهتری را نسبت به نماگر اصلی بازار به نمایش گذاشت. شاخص کل فرابورس ایران نیز ۱۶۳ واحد رشد کرد و به ۳۹ هزار و ۱۶ واحد رسید. گزارش‌های آماری سازمان بورس و اوراق بهادار از معاملات هفته گذشته بازار سهام نشان می‌دهد تعداد سهام‌داران فعال بورس در هفته گذشته از مرز ۵۵۶ هزار کد فراتر رفته است.

میلیارد تومان بوده است. بیشترین ورود پول حقیقی به گروه‌های فرآورده‌های نفتی، دارویی و خودرو اختصاص یافت. مجموع ارزش معاملات بازارهای بورس و فرابورس در محدوده ۱۸۴ هزار میلیارد تومان قرار گرفت و ارزش کل بازارهای سهام ایران، شامل بورس، بازار پایه و فرابورس نیز به حدود ۱۶ هزار و ۷۱۹ هزار میلیارد تومان رسید. میانگین رشد شاخص ۴۰ صنعت فعال بازار سرمایه در معاملات دیروز به مثبت ۰.۴۵ درصد رسید. شاخص ۲۳ صنعت افزایش یافت و گروه‌های فرآورده‌های نفتی، سایر معادن و انتشار و چاپ، بیشترین رشد روزانه را ثبت کردند. همچنین شاخص صنایع کانی غیرفلزی و خرده‌فروشی با قرار گرفتن

سخت‌گوی دولت، تغییر در سهمیه یا قیمت بنزین را قطعی و یقینی اعلام کرد؛

بنزین گران می‌شود؛ کالابرگ در صفا انتظار

بحث تغییر قیمت و سهمیه بنزین بار دیگر به مهم‌ترین موضوع اقتصادی کشور تبدیل شده است؛ با این حال، کمتر از یک هفته زمان لازم بود تا موضع دولت درباره بنزین از «هیچ برنامه‌ای برای افزایش قیمت وجود ندارد» به «تغییر قیمت یا سهمیه قطعی است» تغییر کند؛ چرخشی که بیش از آنکه نشانه یک سیاست‌گذاری منسجم باشد، از آشفتگی در تصمیم‌گیری و اطلاع‌رسانی حکایت دارد.

تولید و واردات ناشی از آسیب به تأسیسات، ممکن است برای حفظ پایداری عرضه و امنیت انرژی کشور، تصمیماتی اتخاذ شود که هدف آن تأمین پایدار سوخت است. «اومی گوید: «دولت نشان داده در موضوع بنزین به دنبال غافلگیر کردن مردم نیست و اگر قرار باشد تصمیمی در این حوزه اتخاذ شود، پیش از اجرا به اطلاع مردم خواهد رسید و پس از دریافت بازخوردها، تصمیم نهایی اعمال خواهد شد. «مشکل امروز کشور کمیود اطلاع‌رسانی نیست؛ بلکه این است که آیا همه ظرفیت‌های غیرقیمتی برای کنترل مصرف به کار گرفته شده‌اند یا ساده‌ترین راه، یعنی افزایش قیمت، دوباره در دستور کار قرار گرفته است؟ اظهارات سعید رحمان سالاری، مدیر طرح CNG شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی، بخشی از پاسخ است. به گفته وی، کشور اکنون بیش از ۲۳۷۰ جایگاه فعال CNG دارد و ظرفیت توزیع روزانه این سوخت بیش از ۴۰ میلیون مترمکعب است، اما تنها حدود ۱۶ میلیون مترمکعب آن مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ یعنی کمتر از نیمی از ظرفیت موجود فعال است. وی همچنین اعلام کرد که سال گذشته با توزیع حدود ۶ میلیارد مترمکعب CNG، معادل ۶ میلیارد لیتر در مصرف بنزین صرفه جویی شده است؛ رقمی که نشان می‌دهد اگر ظرفیت‌های موجود به‌طور کامل فعال شوند، بخش مهمی از ناترازی بنزین بدون فشار مستقیم بر مردم قابل جبران خواهد بود.

نکته مهم‌تر آن است که خود مسئولان، علت اصلی عقب‌ماندگی CNG را کاهش تولید خودروهای دوگانه‌سوز و بی‌توجهی خودروسازان می‌دانند؛ بنابراین پرسش اساسی این است که چرا دولت ابتدا خودروسازان را وادار به تولید خودروهای کم‌مصرف و دوگانه‌سوز نمی‌کند و سپس به سراغ افزایش هزینه سوخت مردم می‌رود؟ سال‌هاست خودروهایی با مصرف سوخت بالا تولید می‌شوند، حمل‌ونقل عمومی توسعه متناوبی پیدا نکرده و ظرفیت CNG نیز بلااستفاده مانده است. اکنون به جای اصلاح این زنجیره معیوب، بار دیگر ساده‌ترین گزینه، یعنی افزایش قیمت بنزین، مطرح شده است. اصلاح قیمت اگر آخرین حلقه یک برنامه جامع باشد، قابل دفاع است؛ اما اگر نخستین و تنها ابزار دولت باشد، بیش از آنکه اصلاحی ساختاری باشد، انتقال هزینه ناکارآمدی به مردم است. افزایش قیمت بنزین بدون اجرای هم‌زمان سیاست‌های جبرانی، در شرایط تورمی و جنگی کنونی، نه تنها خطر تشدید فشار بر معیشت خانوارها را در پی دارد، بلکه می‌تواند به کاهش سرمایه اجتماعی دولت نیز منجر شود.

اگرچه از منظر اقتصادی قابل تأمل است، اما یک تناقض آشکار را نیز نمایان می‌کند؛ چگونه دولتی که منابع لازم برای افزایش حمایت معیشتی را ندارد، قصد دارد یکی از مهم‌ترین قیمت‌های اقتصاد ایران را اصلاح کند؟ واقعیت آن است که قدرت خرید مردم طی ماه‌های اخیر به شدت کاهش یافته است. اگر دولت حتی قادر به تأمین منابع افزایش کالابرگ نیست، چگونه می‌خواهد آثار تورمی افزایش قیمت بنزین را کنترل کند؟

مردم غافلگیر نخواهند شد

محمدصادق عظیمی فر، مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، نیز دیروز کاهش ظرفیت تولید ناشی از حملات به زیرساخت‌های انرژی، آسیب به پالایشگاه‌ها و محدودیت واردات را از مهم‌ترین دلایل دشواری تأمین بنزین عنوان کرد. او تأکید کرد که دولت قصد غافلگیر کردن مردم را ندارد و هر تصمیمی پیش از اجرا اطلاع‌رسانی خواهد شد. معاون وزیر نفت گفت: «حمله به پارس جنوبی، خوراک میعانات گازی پالایشگاه‌ها و تأسیسات تولید فرآورده‌های نفتی را تحت تأثیر قرار داد؛ برای مثال، پالایشگاه لاوان هدف حمله قرار گرفت و بخشی از ظرفیت آن کاهش یافت. همچنین به دلیل آسیب به تأسیسات انتقال و ذخیره‌سازی سوخت در ری، پالایشگاه تهران با محدودیت در بهره‌برداری روبه‌رو شد. از سوی دیگر، به دلیل محاصره در جنوب و آسیب به برخی پالایشگاه‌های کشورهای شمال ایران، تأمین فرآورده از محل واردات نیز با چالش مواجه شده است. «او ادامه داد: «چنین شرایطی موجب شد ورودی ذخایر سوخت کشور با محدودیت روبه‌رو شود و تأمین پایدار بنزین با چالش جدی مواجه شود، اما ما مجموعه اقداماتی که از سوی وزارت نفت صورت گرفت، پایداری زنجیره تأمین سوخت حفظ شد. «

عظیمی فر با بیان اینکه در ماه‌های مرداد و شهریور، به دلیل اوج مصرف و محدودیت‌های ایجاد شده در تولید و واردات، امکان تأمین پایدار سوخت بدون همکاری مردم وجود ندارد، گفت: «اولویت ما تغییر رفتار در بخش مصرف است، نه ایجاد فشار بر مردم یا محدود شدن نیازهای ضروری آن‌ها. «مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی گفت: «اگر مردم در استفاده از CNG، حمل‌ونقل عمومی و کاهش مصرف همکاری کنند، سیاست‌های محدودکننده به حداقل خواهد رسید، اما در صورت ادامه مصرف بالا و تداوم محدودیت‌های



نیما سهیلی

روزنامه‌نگار

مشکل مصرف با گرانی حل نمی‌شود

روح‌الله نجابت، نماینده مجلس، در توییتی خطاب به جناب رئیس‌جمهور نوشته بود: «وعده خودروی کم‌مصرف ۳ لیتر در ۱۰۰ کیلومتر چه شد؟ اگر کشور در شرایط جنگی و با کمبود سوخت مواجه است، راهکار، «توزیع عادلانه» است، نه گرانی‌سازی. با افزایش قیمت به ۱۰ هزار تومان، نه عدالت محقق می‌شود و نه مشکل مصرف حل می‌شود؛ فقط فشار بر سفره مردم مضاعف خواهد شد. این مسیر اشتباه است.»

قیمت نفت برنت که معیار قیمت‌گذاری محموله‌های واقعی نفت خام در بازار فیزیکی محسوب می‌شود، به ۱۰۵.۶ دلار در هریشکه رسیده که بالاترین سطح آن طی دو ماه گذشته است. برخلاف قراردادهای آتی که بیشتر منعکس‌کننده انتظارات معامله‌گران از آینده بازار هستند، قیمت نفت برنت در بازار فیزیکی، بیانگر بهای واقعی نفتی است که پالایشگاه‌ها و خریداران برای دریافت محموله‌های فیزیکی پرداخت می‌کنند. از این رو، افزایش این شاخص معمولاً نشانه‌ای از کمبود عرضه واقعی و افزایش رقابت برای خرید نفت در بازار فیزیکی تلقی می‌شود. شبکه‌سی‌ان‌ان گزارش داد که بازار نفت تاکنون مقاومت زیادی از خود نشان داده، اما این تاب‌آوری اکنون با بزرگ‌ترین تهدید خود از زمان آغاز جنگ علیه ایران روبه‌رو شده است. اقدامات و راهکارهای جایگزین صنعت انرژی برای عبور از بزرگ‌ترین شوک نفتی تاریخ، مصرف‌کنندگان را تا حد زیادی از بحران تورم و کاهش قدرت خرید مصون نگه داشته است. در طول دوره جنگ، قیمت نفت خام به سطوح بالایی افزایش یافت، اما هرگز به مرز ۱۲۸ دلار در هریشکه در سال ۲۰۲۲ یا رکورد تاریخی ۱۴۶ دلاری درست پیش از رکود بزرگ سال ۲۰۰۸ نزدیک نشد. با این حال، فشارهای فوق‌العاده‌ای در منطقه خاورمیانه در حال شکل‌گیری است و تشدید دوباره تنش‌ها ممکن است قیمت نفت را حتی از این نقاط عطف نیز فراتر ببرد. همه عواملی که طی پنج ماه گذشته از جهش قیمت نفت جلوگیری کرده بودند، با تضعیف شده یا به کلی از میان رفته‌اند؛ به طوری که اکنون خطر افزایش بی‌سابقه قیمت نفت، در آستانه شکستن تمامی محدودیت‌ها قرار دارد.

تقاضا برای نفت در پنج ماه گذشته به شدت کاهش یافت که عمدتاً به دلیل آینده‌نگری چین در ذخیره‌سازی نفت پیش از آغاز جنگ بود تا بدین ترتیب، از واردات با قیمت‌های بالا اجتناب کند؛ اما چین نمی‌تواند برای مدتی طولانی به این ذخایر متکی باشد و پیش از آنکه ناچار به افزایش واردات شود، حدود سه تا چهار ماه فرصت دارد. بنابراین، بازار نفت اکنون در حال مسابقه با زمان است. دان استروویون، رئیس تحقیقات نفت در گلدمن ساکس می‌گوید: «در صورت تداوم وضعیت موجود، قیمت‌ها روند صعودی خود را ادامه خواهند داد و احتمال می‌رود که نفت تا ماه اکتبر، رکورد های سال ۲۰۲۲ یعنی بیش از ۱۲۰ دلار در هریشکه را مجدداً تجربه کند. «هلیما کرافت، رئیس استراتژی جهانی در شرکت آربی‌سی کپیتال مارکتس نیز این تهدید را حتی بزرگ‌تر ارزیابی می‌کند و معتقد است که در صورت بروز یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای، قیمت نفت می‌تواند رکورد جدیدی را ثبت کرده و از مرز ۱۵۰ دلار در هریشکه عبور کند.

نوبید گزارش می‌دهد؛

اعلان قرمز برای تراستی‌ها

تشکیل پرونده قضایی برای ۵۹ مدیر شرکت‌های تراستی، بار دیگر یکی از مبهم‌ترین حلقه‌های اقتصاد تحریمی ایران را به صدر اخبار بازگرداند؛ شبکه‌ای که قرار بود راه نجات فروش نفت در دوران تحریم باشد، اما اکنون بخشی از آن به اتهام بازنگرداندن میلیارد‌ها دلار درآمد نفتی، تحت تعقیب قضایی قرار گرفته است. منتقدان

می‌گویند مشکل فقط چند متهم با چند شرکت نیست، بلکه ساختاری است که در آن برخی واسطه‌های فروش نفت چنان قدرت و گردش مالی پیدا کرده‌اند که عملاً به «حاکمیتی خودمختار» در اقتصاد تحریم تبدیل شده‌اند؛ ساختاری که اگر اصلاح نشود، با تغییر افراد نیز همچنان امکان تکرار فساد را حفظ خواهد کرد.



حمید کمار

روزنامه نگار

به کشور بازنگردانده‌اند.

تراستی‌ها چه کسانی هستند؟

واژه «تراستی» در سال‌های تحریم به یکی از مهم‌ترین حلقه‌های فروش نفت تبدیل شد. در شرایطی که شرکت ملی نفت و بانک‌های ایرانی امکان معامله مستقیم با بسیاری از خریداران خارجی را نداشتند، گروهی از اشخاص و شرکت‌ها در کشورهای مختلف، به نمایندگی از ایران، مسئولیت فروش نفت، دریافت پول، انتقال ارز یا انجام عملیات مالی را بر عهده گرفتند. این سازوکار در سال‌های نخست تحریم، راهکاری برای حفظ صادرات نفت محسوب می‌شد؛ اما هرچه تحریم‌ها پیچیده‌تر شد، اختیارات این واسطه‌ها نیز افزایش یافت؛ اختیاراتی که به گفته منتقدان، گاه از نظارت دستگاه‌های رسمی نیز فراتر رفت. آنچه امروز محل انتقاد بسیاری از کارشناسان است، صرفاً وجود واسطه نیست، بلکه تبدیل شدن برخی واسطه‌ها به بازیگران اصلی فروش نفت ایران است. وقتی یک شرکت یا فرد، هم خریدار را می‌شناسد، هم مسیر انتقال پول را کنترل می‌کند، هم شبکه بانکی و حمل‌ونقل را در اختیار دارد و هم اطلاعات فروش را نزد خود نگه می‌دارد، به مرور زمان قدرتی شکل می‌گیرد که کنترل آن برای حاکمیت دشوار می‌شود.

معامله مستقیم با چین، راهکار حذف تراستی‌ها

تجربه سال‌های اخیر نشان می‌دهد یکی از مهم‌ترین راهکارهای کاهش وابستگی به تراستی‌ها، حرکت به سمت فروش مستقیم نفت به بزرگ‌ترین خریداران، یعنی چین، است؛ مسیری که روسیه نیز پس از تحریم‌های گسترده غرب در پیش گرفت و بخش بزرگی از تجارت انرژی خود را با ارزهای ملی، به‌ویژه یوان، انجام داد. استفاده از این الگو می‌تواند چند مزیت هم‌زمان برای ایران داشته باشد. نخست آنکه با حذف واسطه‌ها، بخش قابل توجهی از ریسک سوءاستفاده، عدم بازگشت ارز و فساد ناشی از فعالیت

پشت پرده فشار برای «فرار ارزی»

حسین صمصامی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس؛ طبق آیین‌نامه اجرایی تبصره ۶ بند «ح» ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، صادرکنندگان مکلف‌اند ۹۰ تا ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادرات را به چرخه رسمی کشور برگردانند. اخیراً شاهد فشارهایی از اتاق بازرگانی و سازمان توسعه تجارت برای حذف و بی‌اثرسازی همین دستورالعمل نیم‌بند بانک مرکزی هستیم.

علاوه بر نظارت‌های مجلس، همانند اعمال ماده ۲۳۴ آیین‌نامه داخلی، از سایر نهادهای نظارتی، خصوصاً سازمان بازرسی، توقع داریم مراقب فشارمتخلفین باشند و همچنین از بانک مرکزی بخواهند محدودیت‌ها بین ۱۰۰ تا ۸۰ درصد اعمال شود.

بازار خبر

تولید مرغ ۲۵ درصد کم شد

طبق گزارش مرکز آمار، در خرداد امسال مجموع تولید گوشت انواع طیور، ۱۷۴ هزار و ۸۵۴ تن بود. در این مدت، ۸۹ میلیون و ۱۱۱ هزار قطعه طیور زنده با وزن ۲۲۸ هزار و ۷۱۴ تن وارد کشتارگاه‌های کشور شدند که از این تعداد، حدود ۸۸ میلیون و ۳۳۱ هزار قطعه به بازار عرضه شد. گوشت مرغ با ۸۵ میلیون و ۹۶۲ هزار قطعه (۱۶۹ هزار و ۲۳۹ تن) بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. این آمار در خرداد سال گذشته، ۱۱۷ میلیون و ۸۴۹ هزار قطعه (۲۲۶ هزار و ۴۰ تن) بود که نشان‌دهنده کاهش ۲۵ درصدی تولید گوشت مرغ در خرداد امسال نسبت به همین ماه در سال است. در بخش بوقلمون نیز در خردادما، ۳۳۳ هزار قطعه با وزن ۳ هزار و ۱۷۲ تن کشتار شد که نسبت به مدت مشابه سال گذشته، ۸۰ هزار قطعه افزایش داشت. همچنین ۲ هزار و ۵۳۰ قطعه شترمرغ با وزن ۱۳۸ تن در خرداد کشتار شد. مقایسه آمارها نشان می‌دهد که عرضه گوشت مرغ و بلدرچین در خرداد امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته به ترتیب ۲۵ و ۳۸ درصد کاهش یافته، اما عرضه گوشت بوقلمون، شترمرغ و سایر انواع طیور به ترتیب ۳۰، ۲۷ و ۴۳ درصد افزایش داشته است.

سیاست‌های تخصیص ارز تغییر می‌کند

قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت اعلام کرد: وزارت صمت در جلسات منظم و هفتگی با بانک مرکزی، به دنبال تعریف منابع جدید برای تأمین ارز مورد نیاز صنایع است. محمدصادق مفتاح اظهار کرد: با توجه به شرایط کشور، وضعیت تأمین ارز در نشست‌های مستمر با بانک مرکزی بررسی می‌شود و تلاش می‌کنیم سهم بیشتری از منابع ارزی را به بخش صنعت و تولید اختصاص دهیم. وی افزود: این موضوع در دو محور دنبال می‌شود؛ نخست، تعریف منابع جدید برای تأمین ارز و دوم، اصلاح سیاست‌های توزیع ارز تا بتوان نیاز ارزی واحدهای صنعتی را به شکل بهینه مدیریت کرد و فرآیند تخصیص ارز را تا حد امکان کارآمدتر ساخت. قائم‌مقام وزیر صمت گفت: در جلسات داخلی وزارت صمت نیز پرونده‌های ارزی بررسی می‌شوند؛ هرچند وزارتخانه با توجه به محدودیت‌ها ناچار به اولویت‌بندی است، اما تمام تلاش ما بر این است که تولید و عرضه محصولات به دلیل مشکلات ارزی دچار محدودیت نشود.

کاهش ۲ میلیون تنی

تولید محصولات باغی

روند تغییرات تولید محصولات دائمی کشاورزی بر اساس اطلاعات منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران، در سال گذشته نسبت به سال ۱۴۰۳ با کاهش قابل توجه حدود دو میلیون تن همراه بوده است. داده‌ها نشان می‌دهد میزان تولید محصولات باغی در سال گذشته ۱۱ میلیون و ۵۶۰ هزار و ۹۷۸ تن بوده، در حالی که در سال ۱۴۰۳ حدود ۱۳ میلیون و ۵۲۲ هزار و ۱۵۴ تن تولید شده بود. براساس آمار سال ۱۴۰۴، سهم انواع کشت از کل اراضی باغی و قلمستان‌ها شامل ۷۳ درصد باغ‌های تک محصولی (ساده) و ۲۷ درصد باغ‌های چندمحصولی (مخلوط) بوده است. در میان محصولات باغی این سال، پرتقال و نارنگی با وزنی معادل دو میلیون و ۳۱۶ هزار و ۹۳۱ تن بیشترین سهم را به خود اختصاص دادند. همچنین سیب با یک میلیون و ۸۲۱ هزار و ۸ تن در رتبه دوم، خرما با یک میلیون و ۱۱۹ هزار و ۶۹ تن در رتبه سوم و انگور با یک میلیون و ۱۱۶ هزار و ۸۷ تن در رتبه چهارم قرار دارد.

بین الملل

آتش سوزی و انفجار مهیب در منطقه صنعتی انگلستان

در پی وقوع انفجاری مهیب در یک واحد صنعتی در شهرستان اسکس انگلیس، آتش سوزی گسترده‌ای به وقوع پیوست که منجر به اعلام وضعیت فوق‌العاده از سوی نیروهای امدادی شد. به نوشته رسانه‌های انگلیسی شامل وبگاه‌های «استاندارد» و «اسکای نیوز»، این حادثه عصر جمعه در جاده ساوت‌اند، بین هینینگفیلد شرقی و رتندون رخ داد و بیش از ۱۰۰ آتش‌نشان برای مهار شعله‌های آتش به محل اعزام شدند.

براساس اعلام سرویس آتش‌نشانی و امداد اضطراری اسکس، در جریان این آتش‌سوزی مواد کود شیمیایی موجود در یکی از واحدها منفجر شد. شاهدان عینی از شنیده شدن صدای انفجاری عظیم و لرزش خانه‌ها تا شعاع یک مایلی خبر داده‌اند. تصاویر منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی نیز گوی آتشین و اب‌ری قارچی شکل از دود را بر فراز محل حادثه نشان می‌دهد.



سرویس آمبولانس شرق انگلیس نیز با صدور بیانیه‌ای از حضور تیم واکنش به مناطق پرخطر در محل خبر داد. مقامات محلی ضمن تخلیه ساکنان مجاور، به شهروندان ساکن در مناطق اطراف دستور دادند تا درها و پنجره‌های خود را بسته نگه دارند و از تردد در منطقه خودداری کنند. هنوز گزارشی از تلفات جانی احتمالی این سانحه منتشر نشده است.

معادله جدید مقاومت در دریای سرخ

صورتحساب جنگ برای ریاض

حملات گسترده موشکی و پهپادی نیروهای مسلح یمن به تأسیسات راهبردی آرامکو در جیزان و ینبع، همزمان با اعلام محاصره دریایی عربستان در باب‌المنندب، معادلات امنیت انرژی در منطقه را وارد مرحله‌ای تازه کرده است. اگر تا دیروز ریاض تلاش می‌کرد با انتقال صادرات نفت خود به دریای سرخ، آسیب‌پذیری ناشی از بحران هرمز را جبران کند، اکنون همان مسیر جایگزین نیز در تیررس توان موشکی و دریایی یمن قرار گرفته و شریان حیاتی اقتصاد سعودی با چالشی بی‌سابقه روبه‌رو شده است.

از صدور بیمه جنگ برای کشتی‌های مرتبط با عربستان خودداری کردند و برخی شرکت‌ها حتی قراردادهای قبلی خود را نیز لغو کردند. در نتیجه، نفتکش‌هایی که به بنادر سعودی رفت‌وآمد دارند، اکنون در کنار ناوگان آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در فهرست پریسک‌ترین شناورها قرار گرفته‌اند.

از سوی دیگر، مسیرهای جایگزین نیز هزینه‌های سنگینی بر ریاض تحمیل کرده است. با ناامن شدن همزمان باب‌المنندب و هرمز، عربستان ناچار شده بخشی از صادرات خود را از طریق کانال سوئز و خط لوله سومد مصر انجام دهد. مسیری که نه تنها ظرفیت محدودی دارد و تنها حدود ۲.۵ میلیون بشکه از صادرات روزانه عربستان را پوشش می‌دهد، بلکه زمان انتقال نفت به بازارهای آسیایی را از ۱۹ روز به حدود ۴۸ روز افزایش داده است. هزینه سوخت هرنفتکش نیز از حدود ۱.۳ میلیون دلار به نزدیک ۲.۹ میلیون دلار رسیده و پرداخت حدود یک میلیون دلار عوارض کانال سوئز نیز به آن افزوده شده است. به این ترتیب، هزینه انتقال نفت عربستان عملاً چند برابر شده و مزیت رقابتی این کشور در بازارهای آسیایی را به شدت کاهش داده است.

عربستان تصور می‌کرد با اتکا به بندر ینبع و دریای سرخ می‌تواند وابستگی خود به تنگه هرمز را کاهش دهد، اما اکنون همان مسیر جایگزین نیز در تیررس توان موشکی و پهپادی یمن قرار گرفته است. حملات دقیق به آرامکو، تهدید باب‌المنندب، افزایش سرسام‌آور هزینه‌های بیمه و حمل‌ونقل و مختل شدن مسیرهای صادراتی، همگی نشان می‌دهد که معادله بازدارندگی در منطقه تغییر کرده است.

و در عملیات دوم نیز مراکز حساس آرامکو در بندر نفتی ینبع با موشک‌های بالستیک، کروز و پهپاد مورد اصابت قرار گرفتند. اهمیت این حملات تنها در حجم آتش نیست بلکه در انتخاب اهداف نهفته است. پالایشگاه جیزان با ظرفیت پالایش روزانه ۴۰۰ هزار بشکه نفت، یکی از مهم‌ترین مراکز پالایش و پتروشیمی عربستان در ساحل دریای سرخ محسوب می‌شود. پروژه‌ای که هزینه ساخت آن از ۷ میلیارد دلار به بیش از ۲۱ میلیارد دلار افزایش یافت و بخش مهمی از تولید سوخت و برق جنوب عربستان را تأمین می‌کند. در سوی دیگر، بندر ینبع مهم‌ترین مسیر جایگزین صادرات نفت عربستان در شرایط بحران تنگه هرمز به شمار می‌رود و طی ماه‌های اخیر بخش عمده صادرات نفت ریاض از این بندر انجام شده است.

اما اهرم و فشار اصلی یمن بر عربستان محاصره دریایی است. اقدامی که باب‌المنندب را به مهم‌ترین اهرم فشار بر اقتصاد سعودی تبدیل کرده است. این تنگه که حدود ۱۲ درصد نفت و بخش قابل توجهی از تجارت دریایی جهان از آن عبور می‌کند، امروز به یکی از حساس‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی جهان تبدیل شده است. هرگونه اختلال در این گذرگاه، تنها عربستان را هدف قرار نمی‌دهد، بلکه زنجیره تأمین انرژی و تجارت جهانی را نیز دچار بحران می‌کند. پیامدهای اقتصادی این تحول خیلی زود خود را نشان داد. شرکت‌های بزرگ بیمه دریایی مستقر در بازار لویدز لندن



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

حمله گسترده نیروهای مسلح یمن به تأسیسات نفتی آرامکو در جیزان و ینبع، صرفاً یک عملیات موشکی دیگر نبود. این حملات آغاز مرحله‌ای جدید از نبردی است که این بار نه در مرزهای یمن، بلکه در شریان‌های حیاتی اقتصاد عربستان جریان دارد. همزمان با اعلام محاصره دریایی عربستان از سوی صنعا و تهدید تردد کشتی‌های مرتبط با ریاض در باب‌المنندب، معادله جنگ وارد فاز تازه‌ای شده است. مرحله‌ای که نشان می‌دهد یمن پس از سال‌ها مقاومت، اکنون توان انتقال میدان نبرد از خاک خود به عمق زیرساخت‌های انرژی و تجارت رقیب را به دست آورده است.

سرتیپ «یحیی سریع» سخنگوی نیروهای مسلح یمن اعلام کرد در پاسخ به حملات اخیر عربستان علیه الحدیده و جزیره کمران، دو عملیات ویژه علیه تأسیسات حساس شرکت آرامکو انجام شده است. به گفته وی، در عملیات نخست پالایشگاه و تأسیسات راهبردی جیزان با ده‌ها موشک بالستیک و پهپاد هدف قرار گرفت

یادداشت

دیوان کیفری بین‌المللی در مسلخ سیاست

محسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

مجمع کشورهای عضو دیوان کیفری بین‌المللی روز جمعه با رأی ۸۲ کشور از مجموع ۱۲۵ عضو، «کریم خان» دادستان انگلیسی این دیوان را به دلیل آنچه «سوءرفتار جدی و نقض جدی وظیفه» عنوان شد، از سمت خود برکنار کرد. ۱۳ کشور با این تصمیم مخالفت کردند و ۱۵ کشور نیز رأی ممتنع دادند. این رأی پس از ماه‌ها بررسی اتهامات مربوط به سوءرفتار جنسی علیه خان صادر شد. اتهاماتی که وی همواره آنها را رد کرده و وکلایش نیز روند رسیدگی را ناعادلانه توصیف کرده‌اند.

با این حال، آنچه این تصمیم را از یک پرونده انضباطی فراتر می‌برد، همزمانی آن با شدیدترین فشارهای سیاسی آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه دیوان کیفری بین‌المللی است. کریم خان در سال ۲۰۲۴ با درخواست صدور حکم بازداشت بنیامین نتانیا‌هو و یوآو گالاتنه به اتهام ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در غزه، به چهره‌ای جنجالی برای تل‌آویو و حامیان غربی آن تبدیل شد. اقدامی که عملاً دیوان را در برابر یکی از مهم‌ترین خطوط قرمز آمریکا و اسرائیل قرار داد.

گزارش‌های منتشرشده از جمله از سوی اکسیوس نشان می‌دهد وزارت خارجه رژیم صهیونیستی در روزهای منتهی به رأی‌گیری، راینزی گسترده‌ای را با کشورهای عضو برای جلب آرای موافق برکناری خان انجام داده است. همزمان، دولت آمریکا نیز کارزار علنی خود برای تضعیف و حتی برچیدن دیوان کیفری بین‌المللی را شدت بخشیده است. مارکو روبریو، وزیر خارجه آمریکا، اخیراً از آغاز برنامه‌ای گسترده برای مقابله با دیوان خبر داده و خواستار خروج کشورهای عضو از این نهاد و تحریم همکاران آن شده است. پیش از این نیز دولت ترامپ کریم خان و شماری از قضات و مسئولان دیوان را به دلیل پیگیری پرونده مقامات رژیم صهیونیستی تحریم کرده بود.

در همین چارچوب، «جوزپ بورل» مسئول پیشین سیاست خارجی اتحادیه اروپا، رأی‌گیری برای برکناری خان را «خوش خدمتی به آمریکا و اسرائیل» توصیف کرد. به گفته وی، هیئت قضایی مستقلی پیش‌تر خواهد موجود را برای اثبات تخلف خان کافی ندانسته بود، اما روند رأی‌گیری و حتی مقررات مربوط به آن به شکلی تغییر یافت که زمینه برکناری وی فراهم شود. اگرچه احکام بازداشت صادرشده علیه نتانیا‌هو و گالاتنه با برکناری دادستان لغو نخواهد شد و تنها قضات دیوان اختیار چنین تصمیمی را دارند، اما انتخاب دادستان جدید در شرایطی انجام خواهد شد که این نهاد زیر سنگین‌ترین فشارهای سیاسی و اقتصادی واشنگتن و تل‌آویو قرار دارد. از این منظر، برکناری کریم خان را می‌توان نه صرفاً پایان مأموریت یک دادستان، بلکه حلقه‌ای دیگر از تلاش مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی برای مهار هر نهاد بین‌المللی دانست که بخواهد جنایات متحدها را در برابر عدالت قرار دهد.



عربستان زیر ضرب

هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های انرژی عربستان و تهدید کشتی‌های مرتبط با ریاض در باب‌المنندب، هزینه‌های صادرات نفت، بیمه و حمل‌ونقل دریایی را به‌طور چشمگیری افزایش داده و شریان اقتصادی سعودی را زیر فشار قرار داده است.

یادداشت

جنگی که اتمی شدن ایران را نزدیک‌تر کرد

امیرشهبهانی
روزنامه‌نگار

اظهارات تازه دنی سیتربنویچ، مقام پیشین اطلاعاتی آلمان و از چهره‌های شناخته‌شده پرونده ایران در اسرائیل، یک هشدار مهم را از دل محاسبات تل‌آویو بیرون کشیده است: جنگی که قرار بود مانع دسترسی ایران به سلاح هسته‌ای شود، ممکن است درست در نقطه مقابل عمل کرده باشد. او صریح گفته است که این جنگ می‌تواند ایران را از «مرز بمب هسته‌ای» عبور دهد؛ گزاره‌ای که در واقع اعترافی است به شکست راهبردی سیاست فشار و حمله.

سیتربنویچ در تحلیل خود یک نکته کلیدی را برجسته می‌کند: شهادت آیت‌الله‌سید علی خامنه‌ای، از نگاه او، یک «اشتباه راهبردی» بوده است. این داوری، فارغ از داوری‌های سیاسی درباره شخص ایشان، از یک واقعیت امنیتی پرده برمی‌دارد؛ اینکه در دوران او، ایران با وجود توسعه ظرفیت غنی‌سازی پیشرفته، عمداً در وضعیت تعلیق هسته‌ای باقی ماند. یعنی نه به‌طور کامل به سوی تسلیحاتی‌سازی رفت و نه پرونده را بست. همین ابهام حساب‌شده، به‌زعم اسرائیل و آمریکا، همزمان هم مانع اجماع جهانی علیه ایران نمی‌شد و هم تهران را در آستانه بازدارندگی هسته‌ای نگه می‌داشت. اما اکنون معادله تغییر کرده است. سیتربنویچ می‌گوید رهبری جدید ممکن است پس از دیدن حجم سنگین حملات نظامی مکرر علیه ایران و حجم بالای ترورها به این جمع‌بندی برسد که تنها بازدارندگی هسته‌ای است که می‌تواند کشور را از حملات آینده حفظ کند. این دقیقاً همان نقطه آزمون‌شدن اسرائیل و آمریکا است: اگر ایران به این نتیجه برسد که ابهام دیگر فایده‌ای ندارد، پرونده هسته‌ای به سمت تصمیم‌گیری نهایی برای ساخت سلاح اتمی می‌رود؛ تصمیمی که سال‌ها واکنش‌گتن و تل‌آویو از آن می‌ترسیدند.

از این زاویه، هدف اعلامی «نابودسازی ظرفیت هسته‌ای ایران» با یک تناقض بنیادین روبه‌رو می‌شود. حمله نظامی شاید بتواند تأسیسات را آسیب بزند، اما نمی‌تواند منطق امنیتی تولید بازدارندگی را از میان ببرد. برعکس، هر ضربه‌ای که از بیرون وارد شود، ممکن است در تهران این باور را تقویت کند که بدون سلاح هسته‌ای، بقا تضمین نمی‌شود.

سیتربنویچ همچنین به یک دوراهی دشوار برای واکنش‌گتن اشاره می‌کند: توافق مذاکره‌شده، هرچند مستلزم پذیرش سطحی از غنی‌سازی و کاهش تحریم‌هاست، اما می‌تواند ایران را تقویت کند؛ و گزینه نظامی نیز، بنا بر تجربه همین جنگ اخیر، بعید است به نابودی دائمی برنامه هسته‌ای بینجامد. این یعنی آمریکا با وضعیتی روبه‌روست که در آن، هیچ‌یک از دو گزینه موجود، آرامش راهبردی به همراه ندارد.

نتیجه روشن است: ترور، حمله و فشار، اگر به تغییر محاسبه امنیتی تهران منجر شود، ممکن است همان چیزی را بسازد که قرار بود از آن جلوگیری کند. در این جا، هراس اصلی اسرائیل و آمریکا نه فقط پیشرفت فنی ایران، بلکه عبور ایران از منطق «ابهام» به منطق «تصمیم» است؛ و این، خطرناک‌ترین نتیجه‌ای است که از دل یک جنگ ضد هسته‌ای بیرون آمده است.

وقتی امتیاز پیشاپیش داده شد و تضمین پسینی نیامد

در این میان، تفاهمی که قرار بود شکاف‌ها را ترمیم کند، خود به شکاف تازه‌ای در اعتماد عمومی بدل شد. از آزادسازی دارایی‌ها تا کاهش فشارها و آرام‌سازی فضا تا کاهش تهدید، هیچ‌یک از وعده‌های اصلی در میدان واقعیت به نتیجه نرسید. آنچه ماند، یک سند پرزرق‌وبرق بود که نه فقط هزینه‌های دیپلماسی را کم نکرد، بلکه به تعبیر منتقدان، دست دشمن را برای فشار بیشتر بازتر کرد و برای ایران چیزی جز تعویق، فرسایش و بدگمانی باقی نگذاشت.

دقیقاً همین جا است که آن واژه تلخ معنا پیدا می‌کند: سندی که قرار بود گشایش بیاورد، به ابزاری برای تولید تصویر ضعف بدل شد.

پایان زود هنگام خوش خیالی

خسارت‌های این تفاهم را باید شمرد، نه برای تسویه حساب سیاسی، بلکه برای جلوگیری از تکرار. نخست، فرصت تنفس به دشمن داده شد؛ فرصتی به خصوص برای خنثی کردن بحران نفتی به عنوان پاشنه آشیل آمریکا حداقل برای چندین ماه و پر کردن ذخایر نفتی و بازسازی، جابه‌جایی، چینش تازه و آماده‌سازی دوباره نظامی دوم، کشور به امید یک تفاهم معلق ماند و بخشی از تصمیم‌گیری‌ها به تعویق افتاد. سوم، حس جنگی و آمادگی عمومی مردم فرسوده شد، چون پیام غیرمستقیم چنین توافق‌هایی این است که خطر را می‌توان با مذاکره عقب راند، بی‌آنکه طرف مقابل الزاماً عقب‌نشینی کند. چهارم، زمان لازم به دشمن داده شد تا فهرست اهداف و اولویت‌هایش را به‌روز کند. پنجم، در معادلات منطقه‌ای، این وضعیت به تضعیف محور مقاومت و فشار بیشتر بر جنوب لبنان و حزب‌الله انجامید. ششم، زمینه اجماع‌سازی علیه ایران در بخشی از افکار عمومی و دولت‌های خارجی تقویت شد، زیرا هر توافق نیمه‌جان، یک سری طرفدار می‌سازد اما در عمل، زبان فشار را در بیرون مشروع ترمی کند.

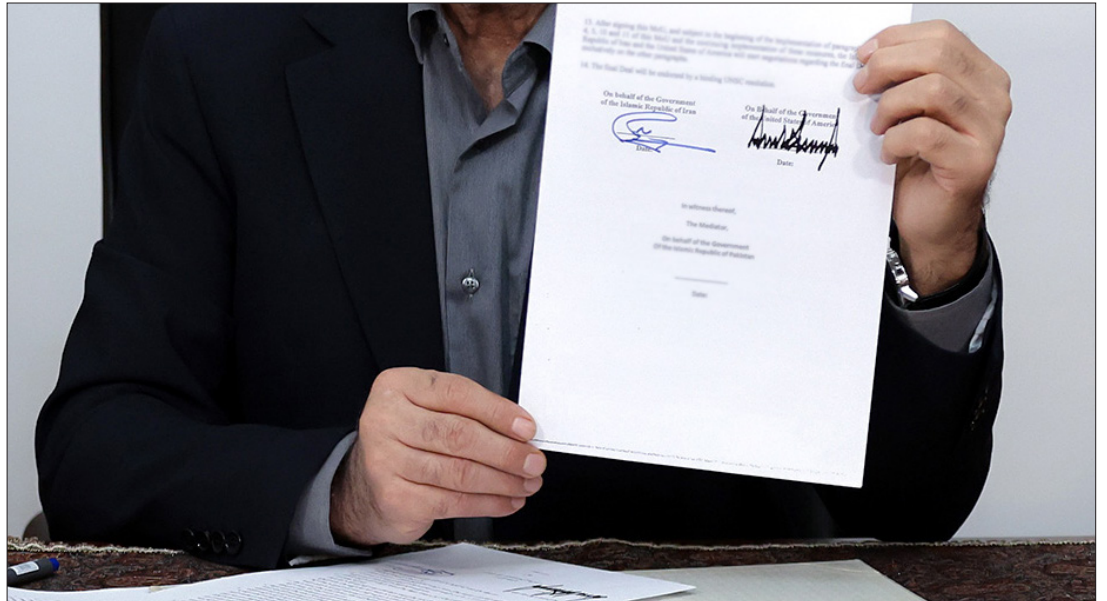
ماز همین رو، عنوان «خسارت‌بارتر از برجام» فقط یک عنوان نیست؛ جمع‌بندی یک تجربه است. تجربه‌ای که نشان می‌دهد در سیاست خارجی، هر تفاهمی که بر پایه خوش‌بینی بی‌پشتوانه، اعتماد به بدعهدی آزموده‌شده و فروش امتیاز پیش از دریافت تضمین بنا شود، دیر یا زود به سندی علیه منافع ملی تبدیل خواهد شد. یقه بانیان چنین مسیری را نباید به‌سادگی رها کرد؛ چون مسئله یک خطای فنی نبود، مسئله یک خطای راهبردی بود.

از هشدار رهبر شهید تا ذوق زدگی عاشقان مذاکره؛ نگاهی به تفاهم اسلام آباد

خسارت‌بارتر از برجام

و توقف فشارها تا اعتراف‌های تلخ درباره بدعهدی آمریکا، همه چیز از یک خطا حکایت می‌کند: معامله‌ای که امتیازهایش پیشاپیش پرداخت شد، اما دستاوردش یا به تعویق افتاد یا هرگز نرسید.

آنچه قرار بود «تفاهمی بالاتر از برجام» معرفی شود، در فاصله‌ای کوتاه به سندی تبدیل شد که اکنون مشخص شده آن فقط هم‌سنگ، بلکه خسارت‌بارتر از برجام بوده است. از وعده‌های بی‌سرانجام درباره آزادسازی دارایی‌ها



ایرانی را در انتظار نگه داشت.

سو تفاهم یا سند فریب؟

علی باقری کنی نیز در ۲۹ تیر ۱۴۰۵ با اشاره به نقض تعهدات گفتمان‌آمیزی‌ها در موضوع آزادسازی دارایی‌های مسدودشده ایران اقدامی انجام ندادند و در مورد توقف آتش و آتش‌بس در لبنان نیز به تعهداتشان پایبند نماندند. این گزاره از آن رو مهم است که نشان می‌دهد مسئله فقط یک اختلاف مقطعی نبود؛ مسئله، الگوی رفتاری ثابت طرف مقابل بود. وقتی بدعهدی، از پرونده هسته‌ای تا دارایی‌ها و از لبنان تا سایر حوزه‌ها امتداد پیدا می‌کند، دیگر سخن از «سو تفاهم» یا «اشتباه اجرایی» نیست؛ سخن از ساختاری است که در آن، امتیاز گرفتن برای واکنش‌گتن آسان و امتیاز دادن برای او دشوار است.

در همین چارچوب است که سخنان رهبر انقلاب در ۱ مهر ۱۴۰۴ نیز معنای تحلیلی پیدا می‌کند؛ جایی که مذاکره با آمریکا برای مسئله هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر «بن بست محض» توصیف شد. تأکید ایشان روشن بود: این مذاکره برای رئیس‌جمهور آمریکا مفید است، چون می‌تواند در جهان ادعا کند ایران را تهدید کرده و پای میز آورده است؛ اما برای ایران «ضرر محض» دارد و هیچ فایده‌ای در آن نیست. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که باید در خوانش تفاهم اخیر برجسته شود: توافق، اگر ابراز بازدارندگی و رفع فشار نباشد، به ابزار تبلیغاتی دشمن تبدیل می‌شود.

از این منظر، سخنان ترامپ در ۳۰ تیر ۱۴۰۵ نیز تنها یک لاف سیاسی نبود، بلکه نشانه‌ای از همان برداشت بود؛ او گفت جمهوری اسلامی با درماندگی به دنبال گفتگو با واکنش‌گتن است و تا زمانی که تهران آماده نباشد، آمریکا علاقه‌ای به دیدار ندارد. حتی اگر این ادعا بخشی از جنگ روانی بدانیم، باز هم نشان می‌دهد دشمن چگونه توافقی را نه پایان خصومت، بلکه صحنه نمایش برتری خود می‌بیند.

محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

توافقی که برخی چهره‌های حامی آن می‌کوشیدند آن را «چیزی فراتر از برجام» جا بزنند، اما به تدریج در افکار عمومی و در میدان سیاست خارجی، به نماد امتیازدهی یک طرفه و دستاوردهای موهوم ترو بدتر از برجام بدل شد. حالا هرچه بیشتر از آن فاصله گرفته می‌شود، تصویر روشن‌تری می‌شود: سندی که قرار بود هزینه‌ها را کاهش دهد، خود به بخشی از هزینه تبدیل شد.

محمد باقر قالیباف ۹ تیر ۱۴۰۵ در گفت‌وگویی که در آن زستی همچون زست نویل چمبرلین پس از توافق با هیتلر گرفته بود، با ذوق زدگی گفت: «به خدا این سند شکست آمریکاست». این جمله، صورت‌بندی انتقادی یک تجربه بود. او هشت روز قبل از آن نیز از ۱۲ میلیارد دلاری گفت که بنا بود دو بخش ۶ میلیارد دلاری داشته باشد و تأکید کرد که توافقاتش در سفر قبلی به دوحه انجام شده بود و اینجا دیگر باید امضای قطعی می‌شد و کار تمام می‌شد. اما آنچه در عمل رخ داد، بیش از آنکه نشانه پیشرفت باشد، نشانه کش آمدن یک بازی فرسایشی بود؛ بازی‌ای که در آن طرف ایرانی گمان می‌کرد با نرمش می‌تواند گرهی باز کند، حال آنکه طرف مقابل از همان نرمش برای خرید زمان بهره برد.

همین منطق را می‌توان در هشدارهای پیشینی رهبری فقید شهید آیت‌الله‌امامنه‌ای در ۱ مهر ۱۴۰۴ دید؛ آنجا که تصریح کرده بودند ممکن است طرف مقابل در ازای دادن چیزی، وانمود کند امتیاز می‌دهد، اما در واقع «دروغ» است. این هشدار، امروز بیش از گذشته معنای سیاسی پیدا کرده است. زیرا تجربه نشان داد آنچه به نام امتیاز عرضه شد، در بسیاری موارد نه امتیاز واقعی، که بسته‌ای از وعده‌های مشروط، تعهدهای معلق و تعویق‌های پی‌درپی بود؛ وعده‌هایی که عملاً قدرت چانه‌زنی طرف مقابل را بالا برد و طرف

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قری خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline

n o b o n y a d o n l i n e . i r

فرهنگ

C U L T U R A L

■ یکشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۹۷

یادداشت

فرهنگ کلید فهم

تمدن ایرانی – اسلامی است

محمد قربانی
روزنامه‌نگار

فرهنگ در منظومه فکری رهبر شهید انقلاب اسلامی جایگاهی ممتاز و بی‌بدیل داشت. بسامد این واژه در بیانات ایشان به قدری بالا بود که کمتر مفهومی به این اندازه مورد تأکید قرار گرفته است. از منظر معظم له، فرهنگ موتور پیشران کشور به‌سوی قله‌های اقتدار و زیربنای تحقق تمدن نوین اسلامی است؛ فرهنگی که شالوده‌ی آن بر آموزه‌های اسلام و سرمایه‌ی عظیم تمدنی ایران استوار بوده و هرگز وام‌دار شرق یا غرب نیست. ایران با پشتوانه‌ی فرهنگی خود، ظرفیت صادر کردن فرهنگ به جغرافیای غرب آسیا و فراتراز آن را دارد. متأسفانه در ادوار گذشته، به‌ویژه در عصر پهلوی، خودفروختگی حاکمان قاجار و پهلوی و مرعوب‌شدن روشنفکران، هنرمندان و نویسندگان در برابر فرهنگ غرب، سبب گسست سینما، تئاتر، موسیقی و ادبیات از هویت ایرانی شد. انقلاب اسلامی به عنوان انقلابی فرهنگی، در برابر این انحطاط ایستاد و هوای تازه‌ای به جامعه‌ی استعمارزده تزریق کرد.

بازگشت به فرهنگ اسلامی-ایرانی، کلید رسیدن به اقتدار ملی در ابعاد مختلف است و شناخت ابعاد آن، راهگشای اصحاب فرهنگ، هنر و مدیران این حوزه‌ی وسیع خواهد بود. از دیدگاه رهبری، فرهنگ واقعیته‌ی دلاویه و چند جزئی است. لایه‌ی باطنی و ناپیدا شامل باورهای ذهنی و خصلت‌های اخلاقی، و لایه‌ی ظاهری و نمایان شامل رفتارها و اشیاء فرهنگی است. به بیان دیگر، رفتارها از سه عنصر «عقاید»، «خلقیات» و «رفتارها» تشکیل شده است. عقاید و باورها، ریشه و اساس فرهنگ‌اند؛ زیرا افکار و اندیشه‌های رسوخ‌کرده در ذهن، تفسیر انسان از واقعیت‌های جهان بوده و رفتارها را تعیین می‌کنند.

خلقیات نیز اوصاف سیرتی و منشی جامعه، مانند وجدان‌کاری، انضباط اجتماعی و دوری از اهمال‌کاری هستند که اگرچه درونی‌اند، اما ذهنی محض نبوده و در رفتار تجلی می‌یابند. در مقابل، پاره‌ی عینی و ظاهری فرهنگ، رفتارها و مقیاس فرهنگی را در بر می‌گیرد. چگونگی پوشش، آرایش، آداب معاشرت، شیوه سخن گفتن، سبک معماری و حتی خط، همگی از نمودهای بارز این قلمرو به‌شمار می‌آیند. به عبارت دیگر، فرهنگ مجموعه‌ای از برداشت‌ها، باورها و روحیاتی است که خاستگاه رفتارهای اجتماعی چون مسئولیت‌پذیری، ایثارگری، تعاون، اصلاح‌الگوی مصرف، انسجام اسلامی و عفاف هستند. در نهایت، فرهنگ همان باورها و عادات روزمره‌ای است که الهام‌بخش حرکات و اعمال بیرونی مردم بوده و به عنوان واقعیته‌ی دلاویه، از درون ذهنی، بیرون عینی را شکل می‌دهد.

مروری بر چند نقش مهم و ماندگار اکبر عبدی در سینمای ایران

بدرود آقای سوپر استار

کمتر کسی را شاید بتوان دید که اکبر عبدی را شناسد یا حداقل نام او را نشنیده باشد. او با ایفای نقش‌های متعدد و به‌یادماندنی تأثیر بسیاری در حرفه بازیگری در ایران گذاشت و به معنی واقعی



سعید مصباح

منتقد سینما

«اجاره‌نشین‌ها»: کشف یک استعداد کم‌دی

در «اجاره‌نشین‌ها» به کارگردانی داریوش مهرجویی؛ محصول ۱۳۶۵، عبدی در کنار بازیگرانی چون عزت‌الله انتظامی، رضایگری و ایرج‌راد، یکی از نخستین نشانه‌های جدی توانایی خود در کم‌دی اجتماعی را به نمایش گذاشت. فیلم درباره ساکنان یک خانه قدیمی در تهران است که درگیر اختلافات و تنش‌های ناشی از تصمیم‌مالک برای فروش ملک می‌شوند.

اهمیت بازی عبدی در این فیلم تنها به توانایی او در ایجاد موقعیت‌های خنده‌دار محدود نمی‌شد. او با استفاده از حرکات اغراق‌شده، واکنش‌های سریع و ریتم دقیق، درون منطق شلوغ و پرتنش فیلم قرار می‌گرفت؛ به‌گونه‌ای که کم‌دی او از فضای داستان جدا نمی‌شد و در ذوق نمی‌زد. عبدی در «اجاره‌نشین‌ها» نشان داد که می‌توان با بازی فیزیکی و طنزآمیز، تصویری واقعی از مناسبات اجتماعی و آشفستگی‌های زندگی جمعی ارائه کرد.

«مادر»: عبور از مرزهای کم‌دی

سه سال بعد، عبدی در «مادر» علی حاتمی، محصول ۱۳۶۸، چهره‌ای متفاوت از خود نشان داد. او در این فیلم در کنار رقیه چهره‌آزاد و محمدعلی کشاورز، در نقشی عاطفی و آسیب‌پذیر ظاهر شد؛ نقشی که به دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد در هشتمین جشنواره فیلم فجر انجامید. آنچه بازی عبدی در «مادر» را متمایز می‌کند، پرهیز او از نمایش مستقیم احساسات است. او در بسیاری از لحظات، به جای تکیه بر گریه و اغراق، از مکث، نگاه و تغییرات ظریف چهره استفاده می‌کند. همین کنترل، شخصیت او را باورپذیر می‌سازد. عبدی در این فیلم نشان داد که پشت چهره شناخته‌شده یک بازیگر کم‌دی، ظرفیت قابل‌توجهی برای اجرای نقش‌های جدی و عاطفی وجود دارد.

«هنرپیشه»: بازیگری در نقش بازیگر

در «هنرپیشه» به کارگردانی محسن مخملباف، محصول ۱۳۷۱، عبدی با نقشی پیچیده‌تر مواجه بود: بازیگری موفق که در زندگی شخصی و حرفه‌ای خود با بحران روبه‌روست. این نقش به عبدی اجازه داد بخشی از تجربه و شناخت خود از حرفه بازیگری را به شخصیت منتقل کند. ظرافت بازی او در این فیلم، در دوگانگی

چندی پیش پرویز پرستویی در یکی از استوری‌های اینستاگرامش جریان تاریخ‌مصرف‌گذشته و فاسد پهلوی را مورد خطاب قرار داد و با زبانی تند به نقد این خانواده منحوس پرداخت، اما خیلی زود به خاطر حمله چت‌بات‌ها و خائنین حرف‌هایش را پس گرفت و از دوستان‌اران رضا پهلوی عذرخواهی کرد و صفحه مجازی‌اش را هم بست! ایراد صرفاً از پرویز پرستویی و شوق عجیبش بیان حرف‌های درست و غلط نیست، بلکه اشکال اساسی را باید در سازوکار بها دادن به سلبریتی‌ها و کاریست آن‌ها در بیشتر مسائل مملکتی از طرف مسئولین امر جست‌وجو کرد.

پرستویی و افرادی چون او به دلیل شهرت زیاد لقمه‌های چرب و نرمی برای گروه‌های سیاسی به حساب می‌آیند و به دلیل مقبولیت در نظر بعضی از دوستان‌اران و تابعان فرهنگ شهرت، ابایی از بیان حرف‌های مگوی دولت پنهان از طریق حنجره خویش ندارند. همه این‌ها در حالیهست که جریان اصیل انقلاب هیچ نیازی به سلبریتی‌ها برای اثبات حقانیت خویش ندارد و آن‌ها فقط بازیگر، فوتبالیست و خواننده‌اند. باری، اما سؤال مهم این است: آیا سلبریتی باید در همه مسائل نظر بدهد؟ واقعیت این است که شهرت و تخصص دو مقوله کاملاً جدا هستند. یک بازیگر درخشان لزوماً در اقتصاد، سیاست خارجی یا بهداشت عمومی دانش تخصصی ندارد. وقتی سلبریتی‌ها بدون مطالعه کافی در حوزه‌های پیچیده اظهار نظر می‌کنند، خطر سادسازی مسائل جدی و گمراه‌شدن مخاطبان عام وجود دارد.

از طرف دیگر، نمی‌توان حق شهروندی آن‌ها را برای داشتن نظر نادیده گرفت. سلبریتی‌ها هم شهروندند و حق دارند دغدغه‌هایشان را بیان کنند، اما در اینجا مسئله اصلی حق نیست، بلکه کیفیت و مسئولیت اظهار نظر است. شاید بهترین رویکرد این باشد که مخاطبان یاد بگیرند شهرت را با اعتبار علمی یا تخصصی اشتباه نگیرند، و سلبریتی‌ها هم مرز بین دغدغه شهروندی و ورود غیر تخصصی به حوزه‌های پیچیده را بهتر بشناسند. در نهایت، فضای مجازی این مرزها را کمرنگ کرده و این وظیفه همه ماست که با سواد رسانه‌ای بیشتر، صدهای پرنفوذ را نقادانه بشنومیم.

در نهایت باید گفت که نمی‌توان از پرویز پرستویی انتظار اکت‌ویژه‌ای داشت، چون او تنها یک بازیگر است و با کمترین فشار د رهم می‌شکند .

رونمایی شد. پخش بهمن سبز، پخش کننده موفق ترین انیمیشن های ایرانی، مسئولیت اکران آن را بر عهده دارد. این اثر، روایتگر یک ماجراجویی فضایی جذاب است. در سیاره ای دوردست، دختری شجاع به نام دریا، منتظر قهرمانی افسانه ای برای نجات سرزمینش از دست آب دردهاست. در همین حال، هانی که آرزوی قهرمان شدن دارد، به جای یک میمون، اشتباهاً راهی فضا می‌شود و داستان آغاز می‌گردد. هادی محمدیان، کارگردان آثاری چون فیلیشاه و شاهزاده روم، و محمادمین همدانی، تهیه کننده انیمیشن پرفروش پسر دلفینی، در این پروژه برای نخستین بار با هم همکاری کرده اند. موسیقی این اثر را بامداد افشار ساخته و سعید شیخ زاده مدیر دوبلاژ آن است. همچنین تیم نویسندگان شامل هادی محمدیان، سیدعلی دانش، حسین جمالی و محمد شکوهی است. این اثر به زودی روی پرده سینماها می‌رود تا بتواند مخاطبان بسیاری را به خود جذب کند.



انیمیشن سینمایی سفینه نجات، جدیدترین اثر هادی محمدیان و تهیه کنندگی محمادمین همدانی، پس از دو سال و نیم تولید در سکوت خبری، به زودی در ایران اکران می‌شود. همزمان با اعلام این خبر، پوستر تیزینگ آن نیز